

مقایسه اثر بخشی روش‌های مشاوره گروهی و اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان عقب مانده ذهنی

محمد جعفر فرخنده*، دکتر احمد به پزوه**

چکیده

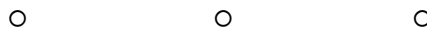
هدف پژوهش حاضر، مقایسه اثر بخشی روش‌های مشاوره گروهی و اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر بود. برای این منظور چهار مدرسه ویژه دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در شهر مشهد به طور تصادفی انتخاب شدند. براساس اجرای پرسشنامه رفتاری کودکان راتر (۱۹۶۷)، سی نفر از دانش آموزانی که مشکلات رفتاری داشتند، شناسایی و آنگاه افراد مورد مطالعه به طور تصادفی به سه گروه ده نفری تقسیم شدند. گروه آزمایشی اول استفاده کننده از روش مشاوره گروهی، گروه آزمایشی دوم استفاده کننده از روش اقتصاد ژتونی و گروه سوم به عنوان گروه کنترل مشخص گردیدند. همچنین با استفاده از آزمون نقاشی آدمک گودیناف و ماتریس‌های پیش رونده ریون، سن هوشی افراد مورد مطالعه هم‌تاسازی شد. در گروه آزمایشی اول، آزمودنی‌ها طی هشت هفته در شانزده جلسه مشاوره گروهی شرکت کردند. در گروه آزمایشی دوم افراد مورد مطالعه طی هشت هفته در مقابل بروز رفتارهای مطلوب توسط معلم، ژتون دریافت می‌کردند. نتایج به دست آمده با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس یک عاملی نشان داد که: الف - بین اثر بخشی استفاده از روش مشاوره گروهی و

* دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

روش اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی تفاوت معناداری وجود نداشت. ب - مقایسه نتایج در گروه آزمایشی اول و گروه کنترل، تفاوت‌ها به نفع گروه آزمایشی اول معنادار بود. ج - مقایسه نتایج در گروه آزمایشی دوم و گروه کنترل نیز، تفاوت‌ها به نفع گروه آزمایشی دوم معنادار بود.

کلید واژه‌ها: مشاوره گروهی، اقتصاد ژتونی، مشکلات رفتاری، دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی، پرسشنامه راتر



● مقدمه

بیش از دو درصد جمعیت هر جامعه‌ای را کودکان و افراد عقب‌مانده ذهنی تشکیل می‌دهند. کودکان عقب‌مانده ذهنی^۱ تفاوت‌های شناختی گوناگونی، مانند محدودیت در دامنه توجه، حافظه و مشکلات عاطفی و رفتاری قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با همسالان خود، در رفتار خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر، محیط‌های تربیتی خانواده، مدرسه و موقعیت‌های اجتماعی می‌توانند به کمتر یا بیشتر شدن این گونه تفاوت‌ها منجر شوند (انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا، ۱۳۸۰). رایسون و رایسون (۱۳۶۶)، اظهار می‌کنند که کودکان عقب‌مانده ذهنی علاوه بر مشکلات شناختی، به مشکلات رفتاری و عاطفی نیز دچار می‌باشند. از این رو، مشاوران، روانشناسان و متخصصان آموزش و پرورش استثنایی برای کاهش و از بین بردن مشکلات عاطفی و رفتاری آنان، روش‌های اصلاح رفتار و راهبردهای گوناگونی ارائه کرده و در خانه و مدرسه به کار می‌برند؛ مانند روش‌های شرطی‌سازی، خاموش‌سازی، انزجار درمانی، رفتار درمانی، استفاده از روش‌های مشاوره فردی و گروهی، حساسیت‌زدایی و مانند آن.

مشکلات رفتاری^۲ را می‌توان از نظر فراوانی و ماهیت به دو دسته مشکلات کمبود رفتار و مشکلات فزونی رفتار تقسیم کرد. مشکلات کمبود رفتار عبارت هستند از: عدم تلفظ درست کلمات، گوشه‌گیری و عدم معاشرت با همسالان، انجام ندادن تکالیف درسی و نظایر آن. در مقابل از سر و صدا راه انداختن بیش از اندازه، پرخاشگری، پر حرفی و بیش‌فعالی می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از مشکلات فزونی رفتار یاد کرد (سیف، ۱۳۷۷).

بررسی‌های به عمل آمده نشان داده که به طور کلی اختلال‌های رفتاری و عاطفی در پسران بیشتر از دختران است و طبق گزارش کولینان و اپشتاین (۱۹۸۵)، این نسبت در پسران در مقایسه با

دختران به نسبت پنج به یک است.

پژوهش‌های متعددی، مانند پژوهش ریس و همکاران (۱۹۹۸)، درباره افراد درخودمانده و عقب‌مانده ذهنی با مشکلات رفتاری و تحقیق ایوانسیک و شپیس (۱۹۹۵) درباره افراد با ناتوانی‌های شدید، به استفاده موثر از روش‌های اصلاح رفتار در کاهش مشکلات رفتاری اشاره کرده‌اند.

● مشاوره گروهی

روش مشاوره گروهی^۳ به عنوان یک فرایند پویا و دو جانبه انسانی است که در آن مشاور و یک گروه همسال برای رسیدن به هدف معینی در زمان و مکان خاصی دور هم جمع می‌شوند و به بررسی مشکلات، احساسات، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌پردازند. مشاوره گروهی کوششی است در جهت تعدیل و اصلاح نگرش‌ها، رفتارها و ادراک فرد از خود در بستر تعامل‌های گروهی تا بتواند در مورد حل مسایل و مشکلات خود موثرتر اقدام نماید (شفیع آبادی، ۱۳۷۰؛ نوابی نژاد، ۱۳۷۴؛ نیکزاد، ۱۳۷۹). هدف مشاوره گروهی در وهله اول توجه به حل مشکل است و در این روش اعضای گروه با هدایت مشاور به عنوان عضو گروه، رفتارهای جدید را از دیگران می‌آموزند و به انتقاد سازنده از خود و دیگران می‌پردازند. مشاوره گروهی موجب می‌شود کودکان با دیگران دوست شوند، حمایت و پذیرش لازم را به دست آورند، احساسات خود را بیان کنند، انتقاد دیگران را با متانت بپذیرند و مهارت‌های اجتماعی لازم را از دیگران کسب نمایند. اصغری گنجی (۱۳۷۲)، با استفاده از روش مشاوره گروهی گزارش کرده است که این روش در کاهش اختلال‌های رفتاری، مانند هیجان‌پذیری، وسواس، گوشه‌گیری و پرخاشگری در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی مؤثر بوده است. هریس و مک کوئیدی (۱۹۹۱)، نشان داده‌اند که مشاوره گروهی برای بسیاری از کودکان با ناهنجاری‌های رفتاری و مشکلات سازش‌یافتگی، روش موثری بوده است. در هر حال کارایی این روش در گروه‌های افسرده و سالخورده، توسط گابریلا (۱۹۹۱)، پیچ و آری (۱۹۹۲) و باچار و همکاران (۱۹۹۱)، تایید شده است.

● اقتصاد ژتونی

اندیشه استفاده از روش اقتصاد ژتونی^۴، از رفتار درمانگری نشئت گرفته و نخستین بار توسط

آیلون و آزرین (۱۹۶۵)، ابداع شده است. اقتصاد ژتونی یا پته‌ای، محیطی ایجاد می‌کند که در آن محیط، رفتارها توسط تقویت ژتونی مهار می‌شوند. این روش اصلاح رفتار، گاهی در بخش‌های بیمارستانی، مدارس و کلاس‌های درس مورد استفاده قرار می‌گیرد (ویلیامز، ۱۳۷۵). روش اقتصاد ژتونی، روشی است انگیزشی، که در آن شخص در مقابل بروز و افزایش فراوانی برخی از رفتارهای مناسب یا مطلوب که از قبل تعیین شده‌اند، تعداد مشخصی ژتون دریافت می‌کند. این ژتون‌ها را می‌توان برای به دست آوردن تقویت‌کننده‌های دیگر مبادله کرد. از روش اقتصاد ژتونی در خانه و مدرسه به عنوان پاداش نمادین استفاده می‌شود (ماژروت، ۱۳۷۱).

کله و چان (۱۹۹۰)، اظهار کرده‌اند که روش اقتصاد ژتونی در یک دوره طولانی موثر است و هر یک از نمادهای مرسوم مانند نمره، ستاره، کارت، ژتون و نشان در کار با کودکان عقب‌مانده ذهنی و تقویت رفتارهای مطلوب آنها مؤثر بوده است. آنها گزارش کرده‌اند که بر حسب تفاوت‌های فردی، هر یک از نمادها آثار متفاوتی به دنبال داشته است. برای مثال، دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی غالباً ستاره را نسبت به نمره، کارت را نسبت به ستاره و ژتون را نسبت به کارت بیشتر ترجیح می‌داده‌اند. ریر (۱۹۸۵)، بر این باور است که اقتصاد ژتونی بر اساس سه قاعده صورت می‌گیرد: ۱- به دانش‌آموز به دلیل رفتار مطلوب مورد نظر ژتون می‌دهند، ۲- به نسبت میزان تلاش برای پیشرفت در انجام تکلیف و اصلاح رفتار مورد نظر تعداد ژتون‌ها اضافه می‌شود، ۳- ژتون‌ها با دیگر تقویت‌کننده‌های جانشین معاوضه می‌شوند.

در روش اقتصاد ژتونی، دانش‌آموزان با آرایه رفتار مطلوب و مورد نظر که از پیش تعیین و مشخص شده، یک ژتون به عنوان تقویت و پاداش از والدین یا معلم خود دریافت می‌کنند و پس از دریافت ژتون‌ها، می‌توان آنها را پس‌انداز کرد و سپس با تقویت‌کننده‌های پشتیبان تعویض نمود. در سال‌های اخیر، استفاده از روش اقتصاد ژتونی توانسته است جایگاه ارزنده‌ای را برای افزایش سطح کار آیی و یادگیری کودکان و دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی و کاهش مشکلات رفتاری آنان به خود اختصاص دهد و پیامدهای مطلوبی داشته است. الری و بکر (۱۹۶۷)، گزارش کرده‌اند که با استفاده از روش اقتصاد ژتونی توانسته‌اند میزان رفتار نامطلوب کودکان عقب‌مانده ذهنی را از هفتاد و شش درصد در آغاز برنامه به ده درصد در پایان برنامه تقلیل دهند. فناویز چی (۱۳۷۴)، با مطالعه یک‌کصد و هفتاد دانش‌آموز عقب‌مانده ذهنی در طول سه ماه،

نشان داد که اثر بخشی استفاده از اقتصاد ژتونی در مقایسه با استفاده از روش تقویت‌کننده کارتی* در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر مؤثرتر بوده است. رفتارهای اصلاح شده شامل بی‌نظمی، پرحرفی، پرخاشگری کلامی، راه رفتن در کلاس و کمبود توجه بوده است. به طوری که کل رفتارهای تغییر یافته در روش اقتصاد ژتونی نود و چهار درصد و در روش کارتی چهل و هشت درصد گزارش شده است.

نتایج پژوهش هاچ و همکاران (۱۹۹۵)، نشان داده است که استفاده از روش اقتصاد ژتونی می‌تواند در بهبود مشکلات بلع کودکان عقب‌مانده ذهنی در مقطع پیش‌دبستانی موثر باشد. پی‌گیری نتایج پس از یک، دو، شش و دوازده ماه نشان داد که مهارت کسب شده پابرجا مانده است.

گزارش لوسلی (۱۹۹۴)، نیز حاکی از آن است که استفاده از اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات بلع و جویدن در یک کودک با آسیب عصب شناختی هشت ساله مؤثر بوده است. کرن و مارد (۱۹۹۶)، در پژوهشی نشان داده‌اند که استفاده از روش اقتصاد ژتونی می‌تواند مشکلات انتخاب مواد خوراکی در کودکان با اختلال‌های مربوط به رشد را کاهش دهد.

از مسائلی که همواره در مراکز آموزشی ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، فرایند آموزش را تحت تاثیر قرار می‌دهد، وجود مشکلات رفتاری و عاطفی آنان است. اگر چه گاه‌گاهی مشاوران، روانشناسان و معلمان برای کاهش مشکلات رفتاری این‌گونه دانش‌آموزان، روش‌ها و راهبردهای متفاوتی را به کار می‌بندند، اما این که کدام روش یا روش‌هایی امکان دارد در کاهش مشکلات رفتاری آنان اثر بخشی بیشتر داشته باشد و شرایط مطلوب یادگیری را ایجاد نماید، از جمله دل‌مشغولی‌هایی است که این پژوهش به آن پرداخته است.

از این رو، پژوهش حاضر به منظور مطالعه و مقایسه اثر بخشی دو روش مشاوره گروهی و اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، طراحی شد. فرضیه‌های مورد نظر در این پژوهش به شرح زیر تدوین شدند:

۱. بین اثر بخشی استفاده از روش مشاوره گروهی و روش اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات رفتاری

* منظور از روش کارتی این است که کارتی به اندازه ۶×۹ سانتی‌متر تهیه می‌شود و براساس قرارداد قبلی با دانش‌آموز نسبت به رایه رفتار مطلوب، معلم امضا می‌کند و یا یک ستاره می‌کشد. در طرف دیگر کارت، تقویت‌کننده‌های پشتیبان مشخص شده است.

افراد مورد مطالعه تفاوت وجود دارد.

۲. بین اثربخشی استفاده از روش مشاوره گروهی و عدم استفاده از این روش در کاهش مشکلات رفتاری تفاوت وجود دارد.

۳. بین اثربخشی استفاده از روش اقتصاد ژتونی و عدم استفاده از این روش در کاهش مشکلات رفتاری تفاوت وجود دارد.

● روش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش آزمایشی با دو گروه پیش‌آزمون و آزمون نهایی است. روش‌های اقتصاد ژتونی و مشاوره گروهی به عنوان متغیرهای مستقل و میزان کاهش مشکلات رفتاری به عنوان متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفتند.

● جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر، جامعه آماری راکلیه دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر که در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ در شهر مشهد، در مراکز آموزشی وابسته به سازمان آموزش و پرورش استثنایی به تحصیل اشتغال داشتند، تشکیل می‌داد. به منظور انتخاب گروه‌های مورد مطالعه طی دو مرحله اقدام شد. در مرحله اول از معلمان چهار مدرسه ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در مشهد، درخواست شد دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی با مشکلات رفتاری را به روانشناس و یا مشاور مدرسه مورد نظر معرفی کنند. آنگاه روانشناس و یا مشاور مدرسه با همکاری معلم مربوط پرسشنامه رفتاری کودکان راتر^۵ (۱۹۶۷) را به طور انفرادی اجرا کرد. در این مرحله هشتاد و شش دانش‌آموزی که نمره بالاتر از هجده در پرسشنامه رفتاری کودکان راتر را کسب کرده بودند، شناسایی شدند. سپس در مرحله دوم، سی نفر از دانش‌آموزان مورد نظر از میان هشتاد و شش نفر دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری به طور تصادفی انتخاب شدند. در این مرحله، افراد مورد مطالعه به طور تصادفی به سه گروه ده نفری تقسیم شدند: الف - گروه آزمایشی اول که روش مشاوره گروهی را دریافت می‌کردند، ب - گروه آزمایشی دوم که از روش اقتصاد ژتونی استفاده می‌کردند، ج - گروه کنترل که هیچ‌گونه روشی برای کاهش مشکلات رفتاری آنها به کار برده نشد. به منظور هم‌تاسازی افراد مورد مطالعه از نظر بهره هوشی، پیش از اجرای روش‌های

آزمایشی، از آزمون‌های نقاشی آدمک گودیناف و ماتریس‌های پیش‌رونده ریون استفاده شد.

● معرفی ابزار: در این پژوهش از سه ابزار به شرح زیر استفاده شده است:

الف: پرسشنامه رفتاری کودکان راتر (۱۹۷۶): این پرسشنامه توسط یوسفی (۱۳۷۷) روی ۱۶۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر شش تا یازده ساله در پایه‌های اول تا پنجم دبستان‌های شیراز تجدید نظر و هنجاریابی شده است. پرسشنامه دارای سی پرسش است که در سه گزینه: «صدق نمی‌کند»، «تا حدودی صدق می‌کند» و «کاملاً صدق می‌کند»، تنظیم شده است. به منظور کمی کردن نتایج، به پاسخ‌های «صدق نمی‌کند» نمره صفر، «تا حدودی صدق می‌کند» نمره یک و «کاملاً صدق می‌کند» نمره دو داده می‌شود. شایان ذکر است که دامنه نمرات در این پرسشنامه از صفر تا شصت در نوسان است (یوسفی، ۱۳۷۷). ملاک انتخاب افراد مورد مطالعه در گروه‌های آزمایشی و کنترل، کسب نمره بالاتر از هجده و بروز رفتارهایی مانند پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی (نافرمانی و ناسزاگفتن) داد و فریاد کشیدن، دروغ‌گویی، زورگویی و حواس‌پرتی بوده است. از پرسشنامه راتر در دو مرحله، پیش از اجرای برنامه‌های مداخله‌گرانه (مشاوره گروهی و اقتصاد ژتونی) و پس از اجرای برنامه‌های مداخله‌گرانه به منظور شناسایی و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی استفاده شد.

ب: آزمون نقاشی آدمک گودیناف: این آزمون نقاشی در سال ۱۹۲۶ میلادی توسط گودیناف منتشر شد. این آزمون یکی از آزمون‌های ساده ارزیابی هوش کلی کودکان است که به دلیل فرهنگ‌ناسته بودن آن، در فرهنگ‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. از این آزمون به دلیل دارا بودن حداقل دستورالعمل کلامی، می‌توان به سهولت در سنجش هوش دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی استفاده کرد. آزمون گودیناف برای سنجش هوش کودکان سنین ۳ تا ۱۳ سال بکار برده می‌شود و اجرای آن نیز به هر دو صورت انفرادی و گروهی ممکن است، اما در حالت انفرادی، نتایج آن دارای اعتبار بیشتری است. زمان اجرای آزمون نیز نامحدود است، لیکن به طور کلی نقاشی کودک بیش از ۵ تا ۱۰ دقیقه طول نمی‌کشد. در آزمون نقاشی آدمک گودیناف ۵۱ ماده وجود دارد که به هریک از قسمت‌های نقاشی شده از طرف کودک، یک نمره داده می‌شود و در نهایت نمرات خام کودک از ۵۱ نمره بیشتر نمی‌شود (آناستازی، ۱۹۹۰؛ کاپلان و ساکوزو، ۱۹۸۹). تشکری و همکاران (۱۳۶۵) با اجرای این آزمون روی ۱۱۹۵

دانش آموز (۵۴۸ پسر و ۶۴۷ دختر) پایه‌های اول تا پنجم هشت دبستان در شهر شیراز در سنین ۶ تا ۱۳ سال، گزارش کرده‌اند که ضریب اعتبار^۷ تصنیف آزمون ۰/۸۰ و ضریب بازآزمایی آن پس از دوازده هفته ۰/۷۵ به طور رضایت بخش به دست آمد.

ج: ماتریس‌های پیش‌رونده ریون^۸: آزمون دیگری که در پژوهش حاضر به منظور هم‌تاسازی افراد مورد مطالعه، به کار رفته، ماتریس‌های پیش‌رونده ریون است. این آزمون شامل شصت ماتریس یا طرح است که در هر یک از آنها قسمتی حذف شده است و آزمودنی باید بخش حذف شده را از بین شش یا هشت گزینه مختلف پیدا کند. ماده‌های آزمون به پنج گروه تقسیم شده‌اند و هر گروه شامل دوازده ماده است که سطح دشواری آنها به تدریج افزایش می‌یابد. ولی اصل مورد نظر در همه آنها یکسان است. در ماده‌های نخستین فقط تشخیص درست مطرح است، ولی ماده‌های دشوار بعدی متضمن مقایسه، تبدیل و تناوب طرح‌ها، و سایر روابط منطقی است (آناستازی، ۱۹۹۰).

● شیوه اجرا

الف: در روش مشاوره گروهی که توسط پژوهشگر دوم به عنوان مشاور مدرسه طی شانزده جلسه (هر هفته دو جلسه) در هشت هفته برگزار گردید، در هر یک از جلسات به تناسب، یکی از مشکلات رفتاری مندرج در پرسشنامه رفتاری کودکان راتر مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. در جلسه‌های مشاوره گروهی، مشاور به عنوان هماهنگ‌کننده و ناظر بوده و هر یک از آزمودنی‌ها به بیان احساسات خود درباره چگونگی بروز مشکل رفتاری، موقعیت‌ها و نحوه مهار رفتار به تعامل کلامی با یکدیگر پرداخته و در نهایت با همکاری مشاور نتیجه‌گیری به عمل می‌آمد.

ب: در روش اقتصاد ژتون، هر یک از آزمودنی‌های گروه آزمایشی دوم (روش اقتصاد ژتون)، به مدت هشت هفته در مقابل رفتارهای مطلوب یا مناسب، توسط معلم خود یک ژتون دریافت می‌کردند. دانش‌آموزان گروه آزمایشی دوم، به تدریج ژتون‌های خود را جمع می‌کردند و سپس می‌توانستند با معاوضه آنها، اسباب بازی مورد علاقه خود را تهیه کنند.

○ برای تعیین میانگین و انحراف معیار و مقایسه عملکرد گروه‌های مورد مطالعه از روش‌های آمار توصیفی استفاده گردید. هم‌چنین به منظور تعیین تفاوت عملکرد آزمودنی‌ها، روش تحلیل

واریانس یک عاملی و برای تعیین تفاوت میانگین‌ها نیز آزمون معناداری تعقیبی توکی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

● نتایج

دامنه سن تقویمی افراد مورد مطالعه، از هفت سال و دو ماه تا پانزده سال بود و همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد بهره‌ی هوشی آنان بر اساس آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون از ۴۸ تا ۷۸ در نوسان بود.

جدول ۱- بهره‌ی هوشی آزمودنی‌های گروه‌های آزمایشی و گروه کنترل

گروه کنترل	گروه اقتصاد ژتونی	گروه مشاوره گروهی	گروهها / آزمودنی‌ها
۷۸	۵۴	۶۹	۱
۷۱	۷۵	۶۹	۲
۷۲	۵۱	۶۱	۳
۷۳	۶۹	۶۰	۴
۵۹	۶۱	۷۰	۵
۴۸	۶۵	۴۸	۶
۶۵	۵۹	۶۰	۷
۷۵	۵۳	۵۸	۸
۶۰	۵۵	۶۱	۹
۵۵	۴۹	۶۳	۱۰

تحلیل واریانس بهره‌ی هوشی افراد مورد مطالعه نشان داد که تفاوت معناداری در سه گروه وجود نداشت و می‌توان گفت که تفاوت‌های هوشی سه گروه مورد مقایسه، تصادفی است.

دامنه نمره‌های افراد مورد مطالعه در پرسشنامه راتر در مرحله پیش‌آزمون در گروه آزمایشی اول (گروه مشاوره گروهی) از ۱۹ تا ۳۴، در گروه آزمایشی دوم (گروه اقتصاد ژتونی) از ۱۸ تا ۴۵ و در گروه کنترل از ۲۰ تا ۳۷ در نوسان بود. میانگین و انحراف معیار نمره‌های افراد مورد مطالعه

در پرسشنامه راتر در مرحله پیش آزمون در جدول ۲ منعکس شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمره‌های افراد مورد مطالعه

در پرسشنامه راتر در پیش آزمون و پس آزمون

گروهها	مراحل شاخصها	پیش آزمون		پس آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مشاوره گروهی		۲۶/۹	۴/۹۲	۱۵/۹	۳/۰۸
اقتصاد ژتونی		۲۹/۵	۹/۷۶	۱۹/۴	۳/۴۸
کنترل		۲۹/۳	۵/۲۵	۲۸/۴	۴/۸۵

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه میانگین نمرات، در سه گروه مورد مطالعه در مرحله پیش آزمون، نشان داد که تفاوت‌ها معنادار نبودند و افراد مورد مطالعه از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند.

جدول ۳. تفاضل نمره‌های آزمودنی‌ها در پیش آزمون - پس آزمون، در

پرسشنامه راتر در گروه‌های آزمایشی و گروه کنترل

گروهها	گروه مشاوره گروهی	گروه اقتصاد ژتونی	گروه کنترل
آزمودنی‌ها	۱۲	۵	۳
	۸	۱۹	۲
	۷	۵	۱
	۱۱	۶	۱۱
	۱۷	۹	۱
	۸	۵	۹
	۱۴	۱۶	۰
	۱۴	۱۴	۱۷
	۱۰	۵	۵
	۹	۴	۵

پس از اجرای روش‌های مداخله گرانه مشاوره گروهی و اقتصاد ژتونی در دو گروه آزمایشی (پس از هشت هفته)، مجدداً با اجرای پرسشنامه راتر به عنوان پس آزمون، مشکلات رفتاری

دانش آموزان در هر سه گروه مورد نظر، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که دامنه نمرات در گروه آزمایشی اول از ۱۱ تا ۱۸، دامنه نمرات در گروه آزمایشی دوم از ۴ تا ۳۳ و در گروه کنترل از ۲۱ تا ۳۳ کاهش یافته بود.

میانگین و انحراف معیار نمره‌های افراد مورد مطالعه در پرسشنامه راتر در مرحله پس آزمون (پس از اجرای برنامه‌های مداخله گرانه) در سه گروه مورد نظر در جدول ۲ گزارش شده است. به منظور مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره گروهی و اقتصاد ژتونی، تفاضل نمره‌های هر یک از آزمودنی‌ها در سه گروه مورد مطالعه در پیش آزمون و پس آزمون محاسبه گردید که در جدول‌های ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار تفاضل نمره‌های آزمودنی‌ها

در پیش آزمون - پس آزمون در گروه‌های آزمایشی و گروه کنترل

گروه مشاوره گروهی		گروه اقتصاد ژتونی		گروه کنترل	
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
۱۱	۳	۱۰/۱	۲/۰۷	۳/۱	۱/۳۴

افزون بر این تحلیل واریانس تفاضل نمره‌های آزمودنی‌ها در پیش آزمون و پس آزمون نشان داد که میان میانگین‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس تفاضل نمره‌های آزمودنی‌ها در پیش آزمون و

پس آزمون در گروه‌های آزمایشی و گروه کنترل

منبع تغییرات	شاخصها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F
بین گروهی	۳۷۴/۰۷	۲	۱۸۷/۰۳	۱۰/۱۱	
درون گروهی	۴۹۹/۸۰	۲۷	۱۸/۵۱		
کل	۸۷۳/۸۷	۲۹	۲۰۵/۵۴		

برای تعیین این که کدام جفت از میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری با یکدیگر دارند، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در تفاضل میانگین دو گروه آزمایشی (روش مشاوره گروهی و روش اقتصاد ژتونی) تفاوت معنادار نیست و

در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید نمی‌شود. لیکن مقایسه تفاوت تفاضل میانگین گروه آزمایشی اول با گروه کنترل و گروه آزمایشی دوم با گروه کنترل، نشان دهنده وجود تفاوت معنادار است ($p < 0/01$). این نتایج، فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش حاضر را به نفع گروه آزمایشی اول و گروه آزمایشی دوم تایید می‌کنند. از این رو، می‌توان احتمالاً چنین نتیجه گرفت که این تفاوت‌های معنادار، ناشی از تأثیر متغیرهای مستقل، یعنی استفاده از روش‌های مداخله‌گرانه مشاوره‌گروهی و اقتصاد ژتونی بوده است.

● بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی روش‌های مشاوره‌گروهی و اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر بوده است. برای این منظور سی نفر از دانش‌آموزان مورد نظر انتخاب و در دو گروه آزمایشی و یک گروه کنترل تقسیم شدند. نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس یک عاملی نشان داد که بین گروه آزمایشی اول (استفاده‌کننده از روش مشاوره‌گروهی) و گروه آزمایشی دوم (استفاه‌کننده از روش اقتصاد ژتونی) تفاوت‌ها، معنادار نبودند. این نتیجه احتمالاً بیانگر این واقعیت است که هر دو روش به اندازه یکسان در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی مؤثر بوده‌اند (جدول ۴).

○ در این مطالعه، فرضیه دوم پژوهش تایید شد و این بدین معنا است که مشکلات رفتاری گروه آزمایشی اول (استفاده‌کننده از روش مشاوره‌گروهی) در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافته است و این کاهش را می‌توان ناشی از اثر بخشی روش مشاوره‌گروهی دانست. چرا که آزمودنی‌های گروه آزمایشی اول طی شانزده جلسه مشاوره‌گروهی شرکت داشتند، اما گروه کنترل تحت هیچ‌گونه آموزشی قرار نگرفتند. این نتایج با یافته‌های اصغری گنجی (۱۳۷۲) و هریس و مک کوئیدی (۱۹۹۱)، هم‌خوانی دارد.

○ در این پژوهش، همچنین فرضیه سوم تایید شد. به طوری که مشکلات رفتاری گروه آزمایشی دوم (استفاده‌کننده از روش اقتصاد ژتونی) در مقایسه با گروه کنترل کاهش معناداری یافته است. این روش می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر در کاهش مشکلات رفتاری کودکان عقب‌مانده ذهنی به کار گرفته شود. نتایج حاصله با یافته‌های قنایز چی (۱۳۷۴)، حاج و همکاران

(۱۹۹۵) و لوسلی (۱۹۹۴)، هم‌خوانی دارد.

○ البته باید اذعان کرد که در اجرای پژوهش حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت که تا حدی قابل مهار نبود و اعتبار درونی را تحت تاثیر قرار می‌داد. برای نمونه می‌توان به این محدودیت اشاره کرد که وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار نگرفت. در هر حال این پژوهش در ارتباط با دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر صورت گرفت و در تعمیم نتایج آن به دانش‌آموزان دختر و گروه‌های دیگر کودکان عادی و استثنایی باید با احتیاط عمل کرد.

○ در مجموع، نتایج این پژوهش مایه امیدواری فراوان است و توصیه می‌شود معلمان و مشاوران مدارس ویژه دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی تا آنجا که امکان دارد از روش‌های اصلاح رفتار به ویژه اقتصاد ژتونی و روش‌های مشاوره، به ویژه مشاوره گروهی برای کاهش مشکلات رفتاری کودکان عقب‌مانده ذهنی استفاده کنند.

یادداشت‌ها

- 1- Mentally retarded children
- 2- Behavior problems
- 3- Group counselling
- 4- Token economy
- 5- Rutter's Children Behavior Questionnaire
- 6- Goodenough Draw-a-Man Test
- 7- Reliability
- 8- Raven's Progressive Matrices

منابع

- اصغری گنجی، اسماعیل (۱۳۷۲). بررسی نقش مشاوره در کاهش میزان تمایل به اختلالات رفتاری دانش‌آموزان شاهد پسر مدارس راهنمایی مناطق تهران در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا (۱۳۸۰). عقب‌ماندگی ذهنی: تعریف، طبقه‌بندی و نظام‌های حمایتی. ترجمه احمد به پژوه و باقرغباری. انتشارات دانشگاه تهران.
- تشکری، عباس؛ مهریار، امیر هوشنگ و یوسفی، فریده (۱۳۶۵). کاربرد آزمون نقاشی انسان گودیناف - هریس در بین گروهی از کودکان دبستانی شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲، ۱۹-۳۷.
- رابینسون، نانی و رابینسون، هالبرت (۱۹۷۲). کودک عقب‌مانده ذهنی، ترجمه فرهاد ماهر (۱۳۶۶) مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- سیف، علی اکبر (۱۳۷۷). تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روشها، (چاپ سوم). تهران: نشر دانا.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۰). پویایی گروه و مشاوره گروهی، تهران: انتشارات رشد.
- فناویزچی، محمدعلی (۱۳۷۴). بررسی اثر بخشی روش‌های تقویت در تغییر رفتار. مشهد: اداره کل آموزش و پرورش استثنایی خراسان.
- ماژروت، گیسلن (۱۳۷۱). راهنمای تربیت رفتاری بالینی، ترجمه پریچهر به کیش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۴). راهنمایی و مشاوره گروهی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم تهران.
- نیکزاد، محمود (۱۳۷۹). اصول مشاوره گروهی: اصلاح نگرش و تغییر رفتار، تهران: کیهان
- ویلیامز، فیلیپ (۱۳۷۵). فرهنگ کودکان استثنایی: آموزش و پرورش، روانشناسی، توان بخشی و علوم وابسته. ترجمه احمد به پژوه و همکاران. تهران: انتشارات بعثت.
- یوسفی، فریده (۱۳۷۷). هنجاریابی پرسشنامه راتر به منظور بررسی مشکلات رفتاری و عاطفی دانش آموزان دختر و پسر مدارس ابتدایی شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۳، ۱ و ۲، ۱۷۱-۱۹۴.

- Anastasi, A. (1990). *Psychological Testing* (6th ed). New York: McMillan Publishing Company.
- Ayllon, T. & Azrin, N. (1965). The measurement and reinforcement of behavior of psychotics. *Journal of Experimental Analysis of Behavior*, 8, 357-383.
- Bachar, E.; Kindler, S.; Scheffler, G. & Lerer, B. (1991). Reminiscing as a technique in the group psychotherapy of depression: A comparative study. *British Journal of Clinical Psychology*, 30, 4, 375-377.
- Cole, P. & Chan, L. (1990). *Methods and Strategies for Special Education*. New York: Prentice Hall.
- Cullinan, D. & Epstein, M. H. (1985). Teacher rated adjustment problems of mildly handicapped and nonhandicapped students. *Remedial and Special Education*, 6, 2, 5-11.
- Gabriella, N. (1991). Group therapy with elderly patients. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 56, 3, 137-161.
- Hallahan, D. P. & Kauffman, J. M. (1991). *Exceptional Children* (5th ed). Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.
- Harris, S. A. & MacQuiddy, S. (1991). Childhood roles in group therapy: The lost child and the mascot. *Journal for Specialists in Group Work*. 16, 4, 233-229.
- Hoch, T. A.; Babbit, R. L.; Coe, D. A.; Ducan, A. & Trusty, E. M. (1995). A swallow induction avoidance procedure to establish eating. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 26, 1, 41-50.

- Ivancic M. T. & Schepis, M. M. (1995). Teaching key use to persons with severe disabilities in congregate living settings. *Research in Developmental Disability*, 16, 5, 415-423.
- Kaplan, R. M. & Saccuzzo, D. P. (1989). *Psychological Testing: Principles, Applications and Issues* (2nd ed). Pacific Grove, California: Brooks.
- Kern, L. & Marder, T. J. (1996). A Comparison of simultaneous and delayed reinforcement as treatments for food selectivity, *Journal of Applied Behavior Analysis*, 29, 2, 243-246.
- Luiselli, J. K. (1994). Effects of noncontingent sensory reinforcement on stereotypic behaviors in a child with neurological impairment. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 25, 4, 325-330.
- O'Leary, K. D. & Becker, W. C. (1967). Behavior modification of an adjustment class: A token reinforcement program. *Exceptional Children*, 33, 639-642.
- Page, R. C. & O'Leary, E. (1992). A pilot study of the effects training group on Irish counseling students. *Journal of Multicultural Counseling & Development*, 20 (1), 23-34.
- Reber, A. (1985). *The Dictionary of Psychology*. Harmondsworth: Penguin.
- Reese, R. M.; Sherman, J. A. & Sheldon, J. B. (1998). Reducing disruptive behavior of a group-home resident with autism and mental retardation. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 28 (2), 159-165.
- Rutter, M. (1967). A Children's Behavior Questionnaire for completion by teacher: Preliminary findings. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 8, 1-11.